

به نام خدا

نقش حوزه در تبیین اخلاق اسلامی در جامعه مدرن

استاد راهنما: اعظم قلیچ زاده

نویسنده: مریم نریمانی

حوزه علمیه: الزهرا (س) مینودشت، استان گلستان

چکیده

در جامعه مدرن که با گسترش فناوری، سکولاریسم فرهنگی و تغییر سبک زندگی انسان معاصر همراه است، اخلاق اسلامی با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو شده است. در این میان، حوزه‌های علمیه به عنوان مراکز اصیل معرفت دینی، نقش بنیادینی در بازخوانی و تبیین اصول اخلاق اسلامی دارند. وظیفه‌ی اصلی حوزه نه تنها صیانت از مبانی اخلاقی دین، بلکه ترجمه و به روزسازی این ارزش‌ها بر اساس نیازهای زمان است. حضور فعال علما در متناسب با شرایط روز و تربیت متفکرانی که بتوانند زبان دین را در قالب گفتمان مدرن بیان کنند، از محورهای کلیدی این نقش محسوب می‌شود. در نتیجه، حوزه با تلفیق سنت و نوگرایی، می‌تواند پیوند عقلانیت دینی و اخلاق الهی را در جامعه امروزی زنده نگه دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی (نقش حوزه، درتبیین انقلاب اسلامی در جامعه مدرن) و به روش کتابخانه‌ای انجام شده که جمع‌آوری اطلاعات آن هم از طریق فیش برداری از کتاب‌ها و مقالات متعددی صورت گرفته است.

کلیدواژه: حوزه علمیه، اخلاق اسلامی، جامعه مدرن

مقدمه

با غیبت امام زمان، تبیین و تبلیغ مبانی و معارف دینی را انسان‌هایی عهده‌دار شده‌اند که به مصداق آیه شریفه «فَلَوْ لَا تَفَرَّ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه ۱۲۲) خود را برای این مخاطره عظیم مبعوث نموده و نسل به نسل سینه‌های خود را چونان صدفی برای حفظ و انتقال آن گوهر ناب آماده کرده، تا اکنون پس از چهارده قرن، این درّ ثمین را هم چنان بی هیچ و کم و کاست عرضه کنند و حجت خداوند بر ما باشند همانگونه که ائمه هدایت برای ایشان حجتند. اما بستری که این عالمان وارسته را در خود پرورانده و آماده این جهاد عظیم ساخت جایی نبود جز حوزه‌های علمیه، همان جایی که بنیان آن را ائمه اطهار نهادند و از آن زمان تا عصر حاضر به حیات پر ثمر خود ادامه داده و منشا خیرات و برکات عظیمی برای اسلام و مسلمانان بوده است. نقش حوزه‌های علمیه به عنوان سازمان روحانیت از گسترش و ترویج دین و آموزه‌های آن به اندازه‌ای آشکار است که به بیان استاد مطهری: «کسانی که آرزوی اعتلای آیین مبین اسلام را در سر دارند و درباره علل ترقی و انحطاط مسلمین در گذشته دور و نزدیک می‌اندیشند، نمی‌توانند درباره دستگاه رهبری آن یعنی سازمان مقدس روحانیت نیندیشند.» (مطهری، ۱۳۵۸: ج ۲۴، ص ۴۸۳)

حوزه‌های علمیه در تبیین، ترویج و نهادینه سازی اخلاق اسلامی نقشی بنیادین و چندوجهی دارند. این نقش از ابعاد و آموزشی، پژوهشی، تبلیغی و الگوسازی رفتاری قابل بررسی است و در طول تاریخ به ویژه در قرن اخیر این نقش پررنگتر از پیش نمایان شده است.

سخن، راجع به حوزه علمیه و اثرات آن، کم و بیش رانده شده؛ برخی حوزه را معرفی نموده اند (سید کباری، سید علیرضا. ۱۳۷۸ ش). حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر. و برخی کارکردهای آن را بیان داشته‌اند (گروه مولفان. ۱۳۹۰ ش). حوزه علمیه تاریخ، ساختار، کارکرد، تهران: نشر کتاب مرجع. برخی نیز به تاریخچه حوزه‌های علمیه اشاره کرده و حتی ساختمان‌ها و مدارس را مورد بررسی قرار داده‌اند (سلطان زاده، حسین. ۱۳۶۴ ش). تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون، تهران: انتشارات آگاه. هم چنین تحقیقات متعدد و متکثری پیرامون عالمان دین که در واقع خروجی‌های حوزه علمیه هستند، و حوزه‌های علمیه به طور مجزا انجام شده است. یکی از مهم‌ترین وظایف روحانیت حوزه‌های علمیه بحث تبیین اخلاق می‌باشد.

اخلاق، یعنی رعایت اصول معنوی و ارزش‌هایی که به رفتار شخص یا گروه حاکم است. اخلاق مفاهیمی چون اعتماد، صراحت، درستی وفایی

به عهد، عدالت و مساوات و فضایل شهروندی و خدمت به جامعه را در بر می‌گیرد. اخلاق در فرهنگ اسلام و معارف اهل بیت از جایگاه بی نظیری برخوردار است و آموزه‌های این مکتب، شکل متعالی از اخلاق را به تصویر می‌کشند. اخلاق، به طور کلی مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هایی است که رفتار درست و نادرست را تعیین می‌کنند و به ما کمک می‌کنند تا تصمیمات اخلاقی بگیریم.

اسلام، به معنای «انقیاد» و «گردن نهادن» به حکم است. کاربرد دینی این لغت، تسلیم در برابر فرمان خداست. در آیه‌هایی از قرآن همچون آیات ۲، ۱۱۲ و ۱۲۸ بقره، اسلام به معنای همین معنا به کار رفته است. اخلاق اسلامی بخشی از آموزه‌های دینی است که بیانگر صفات درونی انسان و فضایل و رذایل اعمال اوست. اخلاق شامل صفات نفسانی ثابت و پایدار است که باعث می‌شود انسان بدون نیاز به فکر و تأمل، افعالی متناسب با آن صفات انجام دهد. اخلاق اسلامی سه بخش اصلی دارد: رابطه انسان با خدا، رابطه با مردم، رابطه با خود. اخلاق اسلامی بر پایه اصولی چون خدا محوری، آخرت گرایی، کنترل نفس، الگوگیری از اهل بیت شکل می‌گیرد. در نهایت، اخلاق اسلامی نظامی است که رفتاری صالح و انسانی را بر اساس موزه‌های الهی تنظیم می‌کند و کمال و سعادت انسان را در سایه اتصال به خداوند و عمل به دستورات دینی تعیین می‌کند. با توجه به مطالعه انجام شده در می‌یابیم که در روابط با موضوع نقش حوزه در تبیین اخلاق اسلامی در جامعه مدرن به صورت محدود بیان شده است لکن به دلیل تبیین عمیق تر در این نوشتار به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که نقش حوزه در تبیین اخلاق اسلامی در جامعه مدرن چگونه می‌تواند باشد؟

مفهوم شناسی

اخلاق

دهخدا در لغت‌نامه خود اخلاق را ج خُلُق، خویی‌ها، ج خَلَق، به معنی خوی طبع مروت. دین دانش بد و نیک خویی‌ها. مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و عادت‌ها که مورد قبول و پذیرش میان افراد یک جامعه است. علم اخلاق عبارت است از علم معاشرت با خلق و آن از اقسام حکمت عملیه است و آن را تهذیب اخلاق و حکمت خلقیه معرفی کرده است. (دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۱ ص ۱۰۴)

دکتر معین اخلاق را خلق_خوی‌ها. معنوی. طبیعت باطنی، سردشت درونی. یا تهذیب اخلاق یا تهذیب نفس، یکی از شعب حکمت عملی است و آن دانش بد و نیک خوی‌ها و تدبیر انسان است برای نفس خود یا یک تنه خاص معرفی کرده است. (معین، محمد، فرهنگ فارسی ج ۱ ص ۱۷۴)

در فرهنگ عمید معنای اخلاق، خوئی‌ها، جمع خلق معرفی کرده است. (عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۹۹)

اسلام

دهخدا در لغت‌نامه خود اسلام را منسوب به اسلام: قرون اسلامی. || مسلمان || نوعی خط در قدیم اسلیمی. گردن نهادن || اسلام آوردن مسلمان شدن || دین پذیرفتن. به دین پیغمبری از پیغمبران درآمدن. || دین حضرت محمد (ص) را پذیرفتن با ادای شهادتین، ایمان به توحید و نبوت و معاد. قلمرو حکومت‌های اسلامی کشورهای اسلامی معرفی کرده است. (دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۱، ص ۱۵۰)

دکتر معین در لغت‌نامه خود اسلام را ۱_ منسوب به اسلام، آنچه از تمدن و فرهنگ و جز آن که منسوب به اسلام باشد. ۲_ پیرو اسلام، مسلمان. ج اسلامیان دوره ~ عهد ~. دوره بعد از اسلام. قرون ~ قرن‌هایی که از آغاز اسلام به بعد سپری شده است معرفی کرده است. (معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۲۷۲)

۳. جایگاه روحانیت در تقویت و پشتیبانی از اصول اخلاقی.

کارکرد دیگر دین در عرصه اخلاق، فراهم نمودن پشتوانه و ضمانت اجرایی برای اخلاق است؛ زیرا انسان اگرچه فطرتاً رعایت اصول اخلاقی، متمایل است، اما در برخی مواقع، شرایط بیرونی و امیال درونی، انسان را به هنجارشکنی هنجارهای اخلاقی وادار می‌کند. در این مواقع، نظام اخلاقی به یک ضمانت اجرایی، نیازمند است تا از اصول او پاسداری نماید. دین، این کارکرد را بر خلاف نظام‌های کنترلی بیرونی به خوبی انجام می‌دهد. علامه جعفری می‌نویسد: «اخلاق بدون اتکا بر خداوند، اساس خود را از دست داده و از ضمانت اجرایی حقیقی برخوردار نخواهد بود.»^۱ شهید مطهری نیز به این مطلب اشاره دارد که: دین می‌تواند بنیاد اخلاق باشد و از این طریق می‌تواند آن را ضمانت کند! اساساً اگر قرار است اخلاق به طور کامل تحقق یابد، باید بر اساس دین و با تکیه به دین باشد. قدر مسلم این است که دین، حداقل به عنوان پشتوانه‌ای برای اخلاق، بشری ضروری است؛ چرا که اولاً، تاریخ و تجربه نشان داده که هر جا دین از اخلاق جدا شده و دین تضعیف گردیده، اخلاق نیز عقب مانده و تضعیف گردیده است؛ ثانیاً، به عنوان موید می‌تواند انطباق‌های اخلاقی محکم و پولادین به وجود آورد؛ ثالثاً، به موید می‌توان گفت حتی بعضی متفکران که در بحث اخلاق به تامل پرداخته‌اند به این مسئله اذعان دارند که دین، بهترین پشتوانه اخلاق است. دکتر سروش با این که نقش دین را در درک ارزش‌های خادم، اقلی دانسته، ولی در این مورد می‌گوید: انسان، موجود خودخواه است و برای جلوگیری از این خصلت، امروزه قانون و نظام‌های کنترلی بیرونی وضع شده، اما این در یک سطح خوب است، اما سطوح خردتری وجود دارد که از قلمرو قانون، خارج است. اما در عین حال، جزء بسیار مهم زندگی است که در صورت عدم سازمان‌پذیری زندگی ما دشوار خواهد شد. برای کنترل این حوزه رفتار و حتی رعایت و اجرای خود قانون، ما به نوعی کنترل درونی که اخلاق تعبیر می‌شود نیاز داریم. و این عنصر اخلاقی از طریق دین به وجود می‌آید. و آن دو رکن مهم که اخلاق از دین می‌گیرد و نقش مهمی در اجرای قوانین اخلاق دارد، عبارت است از: یاد مرگ و یاد خدا. علاوه بر متفکران مسلمان، متفکران دیگری نیز نقش مهمی را برای دین در حمایت و پشتیبانی از اخلاق قائل شده‌اند. گلدنر معتقد است در پی رشد نظام اثباتی در غرب و جدایی

اخلاق از دین، اخلاق به شدت تضعیف و بحران زده شده است؛ اثبات گرایان برای رهایی اخلاق از بحران، اخلاق مبتنی بر دین دنیوی و علم ایجاد نمودند، ولی موفق نشدند؛ لذا کارکردگرایان جدید دریافته‌اند که برای حفظ ثبات و نظم جامعه، اخلاق دینی ضروری است. از نظر ویل دورانت نیز دین حافظ ارزش‌هاست و بدون ضمانت دینی، اخلاق به امر حساب‌گری تقلیل می‌یابد. حس تکلیف از میان می‌رود و هر فرد، تمام هوش و دانش خود را برای ابطال فرامین اخلاقی به کار می‌برد. ویل دورانت معتقد است آن چه اخلاق را از دین به مثابه مهم‌ترین ستون آن جدا نمود، گسترش فلسفه و علم در تمدن قدیم و جدید است. از نظر رونالد م. گرین، ادیان برای تقویت تعهد به حیات اخلاقی، جهان را در قالب نظامی اخلاقی به تصویر می‌کشند در نهایت، این نظام را به گونه‌ای اصلاح و تلطیف می‌کنند که برای همه، نیل به عالی‌ترین مرحله فضیلت و اخلاق، میسر باشد. حتی آن دسته از جامعه‌شناسانی که معتقدند اصول اخلاقی بر دین تقدم دارد، باز نقش مهم دین در تقویت، شکوفایی و پرورش اصول اخلاقی را می‌پذیرند. از نظر نول اسمیت، دین به طور غیر مستقیم، نقش شگرفی بر اخلاق دارد؛ زیرا تکالیف و اعمال شاق دینی و ارزش‌های اخلاقی، مانند شکیبایی و از خود گذشتگی را به فرد، القا می‌کند. در پاسخ به این پرسش که دین از چه طریقی از اصول اخلاقی، حمایت می‌کند، دو صورت مطرح شده است: صورت اول، توجه دادن به پاداش و کیفرهای اخروی است؛ یعنی افراد، تنها به جهت دستیابی به پاداش و فرار از کیفر اخروی به اخلاق روی می‌آورد. رونالد م. گرین، معتقد است در پاسخ به این پرسش که «چرا باید اخلاقی باشیم؟» سنت‌های دینی، نظامی را مطرح می‌کنند که در آن جزای اخلاقی (پاداش و تنبیه) حتمی است. خداوند به تمام معنا، عادل و عالم به افعال و نیات مردمان است. او با تنبیه بدکاران و پاداش به نیکان، قواعد اخلاقی را تقویت و در مواردی، پاداش و تنبیه را مستقیماً در طول حیات فرد، اعمال می‌کند. اما از آنجا که اختلاف بارز، میان رفتار اخلاقی و تقدیرات دنیوی فرد، وجود دارد، جزای الهی، غالباً به حیطة اخروی، واگذار می‌شود. از نظر اسمیت، دین از طریق پشتوانه کیفرهای ماورای طبیعی، دلیل موجه برای انجام تکالیف اخلاقی، فراهم و آدمی را به انجام آنها وادار می‌کند. ساموئل کینگ نیز معتقد است دین از طریق توسل به مجازات‌های ماورای طبیعی در تقویت اصول اخلاقی جامعه، نقش مهمی را ایفا می‌کند.

سروش نیز می‌گوید: در واقع آدمی به خداوند به منزل پشتوانه اخلاق نیاز دارد. کثیری از اخلاقیات اگر از طریق دین نرسند، یا از پشتوانه ثواب و عقاب اخروی برخوردار نباشند، مورد قبول و عمل عامه آدمیان قرار نمی‌گیرند. در صورت دوم، که ویژه اسلام است، هدف تحصیل رضایت خداوند است؛ یعنی انسان‌ها صرفاً با انگیزه الهی و اطاعت از دستورات خداوند و انجام دستورات اخلاقی، مبادرت می‌نمایند. در این صورت، انسان‌ها از نظر اوصاف و طرز تفکر، طوری تربیت می‌شوند که دیگر محل و موضوعی برای رذائل اخلاقی، باقی نمی‌ماند؛ به عبارت دیگر،

اوصاف رذیله و خوی‌های ناستوده از طریق رفع از بین برده می‌شود نه دفع؛ یعنی به فرد، اجازه داده نمی‌شود تا رذائل در دل‌ها راه یابد تا درصدد برطرف کردن آنها برآیند، بلکه دل‌ها را به گونه‌ای از ارزش‌های دینی و اخلاقی، مملو می‌کند که دیگر جایی برای رذائل باقی نمی‌ماند. تفاوت این دو صورت در این است که در صورت اول، انسان‌ها، تنها به سبب حق واقعی و کمال اخروی از اخلاق تبعیت می‌کنند، ولی مکتب اسلام، به سوی حقی دعوت می‌کند که نه ظرف اجتماع، گنجایش آن را دارد و نه آخرت، و آن خدای متعال است. یعنی انسان‌ها صرفاً به منظور تحصیل رضایت خداوند به قواعد اخلاقی عمل می‌کنند، نه پاداش‌های دنیوی و اخروی. تا کنون روشن شد که دین، نقش مهمی را در عرصه اخلاق به عهده دارد و هیچ چیز دیگری نمی‌تواند جای‌گزین آن شود. چنان که برخی، تنها وظیفه دین و سازمان دینی را در جهان امروز، اشاعه اخلاق تلقی نموده‌اند. و بدون دین، اخلاقی نیز در کار نخواهد بود. بنابراین جایگاه روحانیت در تقویت و پشتیبانی از اصول اخلاقی بسیار برجسته و کلیدی است. روحانیت به عنوان هدایت‌گران معنوی جامعه، نقش مهمی در سلامت روحی و اخلاقی افراد و جامعه دارد و با الگوبذیری و رفتار اخلاقی خود، به گسترش و تقویت ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کند. (فصیحی، امان‌الله، ۱۳۸۷)

نتیجه‌گیری

نقش حوزه در تبیین اخلاق اسلامی در جامعه‌ی مدرن نقش راهبردی دارد. اگر حوزه بتواند ضمن حفظ اصالت متون دینی، زبان و رویکرد خود را متناسب با نیازهای انسان بازسازی کند، خواهد توانست خلاء اخلاقی و معنوی دنیای مدرن را پر سازد. تعامل سازنده با علوم انسانی جدید بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی معاصر و پرورش مجتهدان آشنا با زمانه، از جمله مؤلفه‌های اصلی تحقق این رسالت است. بنابراین آینده‌ی اخلاق اسلامی در جهان مدرن تا حد زیادی به میزان توانمندی حوزه در فهم درست شرایط روز و عرضه‌ی حکیمانه‌ی ارزش‌های اخلاقی وابسته است

فهرست منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. اعوانی، غلامرضا، باکتچی، احمد، اخلاق، سال ۱۳۹۹

ایمانور، پژوهشکده باقرالعلوم، پژوه تبلیغ، آخرت .
۲. گرایی، دنیاگریزی، سال ۱۳۹۳

پهلوان، منصور، همکاران، خدامحوری و آثار آن در زندگی از دیدگاه .
۳. قرآن و روایات سال ۱۳۹۳

جوانی، رسول، پژوهشکده باقرالعلوم، جایگاه خدامحوری در تربیت .
۴. انسان، سال ۱۳۹۳

- دائرالمعارف تشیع، جلد ۶، ص ۵۴۹، نشر حجتی، چاپ اول، زیر نظر .
۵. آقایان حاج سید جوادی و همکاران
۶. دانشنامه جهان اسلام بنیاد دائرالمعارف اسلامی، برگرفته از مقاله . حوزه علمیه، شماره ۶۶۳۳، سایت اندیشه قم. دانشنامه امام خمینی تهران .موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۰۰ شمسی
- د.د.د. علی اکبر، فرهنگ متوسط دهخدا سال ۱۳۹۰، جلد ۲، موسسه انتشارات . ۷. دانشگاه تهران
۸. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ فارسی، جلد ۱، سال ۱۳۹۰.
- سید کباری، سید علیرضا، حوزه های علمیه شیعه در گستره جهان، تهران: . ۹. موسسه انتشارات امیرکبیر سال ۱۳۷۸ ش
- سلطان زاده، حسین، ۱۳۶۴ ش، تاریخ مدارس ایران از عهد بستان تا تاسیس . ۱۰. دارالفنون، تهران: انتشارات آگاه
- طوبایی، محمد تقی، معارف اسلامی و حقوق، شماره ۲۳، سال ۱۳۸۵ صص ۲۲ . ۱۱. ۲۳
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید (دو جلدی جلد اول) چاپ دهم: ۱۳۷۱، . ۱۲. چاپ یازدهم: ۱۳۷۶، چاپخانه سپهر، تهران
- فصیحی، امان الله، نیاز جامعه مدرن به دین؛ با تاکید بر حقوق و . ۱۳. اخلاق، سال ۱۳۸۷
- گروه مولفان، (۱۳۹۰ ش). حوزه علمیه، تاریخ، ساختار، کارکرد، تهران: . ۱۴. نشر کتاب مرجع
۱۵. مدرنیته و مدرنیسم (مجموعه مقالات) ترجمه حسینعلی نوذری، ص ۸۱ _ . ۸۲. اسلام و مدرنیته، علی ربانی گلپایگانی، کلام اسلامی ۱۳۸۲، شماره ۴۶
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، نشریه پاسدار اسلام، سال ۱۳۸۳، شماره ۲۷۶، . ۱۶. مقاله تزکیه نفس و آثار آن در قرآن
۱۷. مطهری، مرتضی، سال ۱۳۵۸ ش، جلد ۲۴، ص ۴۸۳، مجموعه آثار تهران: صدرا . معین، محمد، فرهنگ فارسی (متوسط جلد پنجم) چاپ هشتم: ۱۳۷۱، چاپ . ۱۸. نهم: ۱۳۷۶، چاپخانه سپهر، تهران
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، و سایر همکاران، سال ۱۳۷۲، پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)، قم: مطبوعاتی هدف، چاپ دوم، جلد ۵